

بسیاری از داروهای مورد استفاده بدون نسخه از جمله داروی ضد سرفه، سرماخوردگی، آنفولانزا و زکام باعث گیجی ناخواسته می‌شوند که ممکن است رانندگی را با مشکل روبه‌رو کند.

## عاشق هیجان و فراری از شلوغی

مهدی پاکدل، برادر حسین پاکدل نویسنده، بازیگر، مجری، تهیه‌کننده و مدیر سابق شبکه صداوسیما است که از سال ۷۶ فعالیت هنری خود را با بازی در تئاتر جنبش انقبیه در کلکته شروع کرد. او جز بازیگری در عرصه موسیقی هم فعالیت دارد و آلبومی بنام در انعکاس کوچه‌های خیس یا دکلمه او منتشر شده است. ظاهراً عاشق هیجان است و از خرافات و البته شلوغی فراری. مهدی پاکدل از میان تمام هنرپیشه‌های بین‌المللی، جانی دپ را ترجیح می‌دهد. اگر بخواهید او را پیدا کنید باید به جایی سر بزنید که تئاتر در آن جریان دارد. مثلاً تماشخانه تئاتر مستقل یا تئاتر شهر.

گفت‌وگوی «شهروند» با مهدی پاکدل درباره فضای امروز تئاتر و دلایل دوری‌اش از تلویزیون

# رسانه ملی به هنرمندان خود بی‌اعتماد است

- ◀ نادیده گرفتن دیگران کار دیکتاتور مابانه‌ای است
- ◀ همه هیولایی در دست داریم به نام موبایل
- ◀ نمی‌شود با موج افکار دیگران زندگی کرد!
- ◀ هیچ‌کس رنج‌های اصغر فرهادی را ندید

نیره خادمی | از پیر مردی که پشت چارچوب در نشسته عذر خواهی می‌کنند. دقایقی قبل از پیر مرد خواسته‌اند که کمی آن طرف‌تر بایستد تا چارچوب برای عکاسی خالی باشد. عکاسی که تمام می‌شود، مهدی پاکدل خیلی خودمانی پشت میز می‌نشیند: آماده و هیجان زده. گفت‌وگو با موضوع کم‌کاری‌اش در تلویزیون و البته دلخوری‌اش از سیاست‌های حاکم بر این رسانه آغاز می‌شود و با توضیح درباره نقشش در «وقتی کبوترها ناپدید شدند» که این روزها روی صحنه دارد و چند مسأله جنبی دیگر از جمله هنرمندان سفارشی‌ساز، تأثیرشان در سیاست و اجتماع و سلاطین هنری خود در زمینه بازیگری ادامه پیدای می‌کند. «رسانه می‌تواند خیلی قوی‌تر عمل کند، نباید طوری رفتار کند که مردم به آن اعتماد نداشته باشند اما در حال حاضر رسانه ملی به هنرمندان خود هم بی‌اعتماد است. قشر عظیمی از مردم دستشان از این رسانه همگانی دور است و تلویزیون مال آنها نیست.» بیشتر از دو دهه است که مهدی پاکدل در سینما و تلویزیون و تئاتر فعالیت دارد و به قول خودش بر ادراش نقش ویژه‌ای در رسیدن به این جایگاه دارند. او از آن دست هنرمندانی است که تا به حال اجازه نداده حاشیه‌های معمول بازیگران او را احاطه کند. مهدی پاکدل را تا به حال بیشتر در نقش‌های مثبت دیده و شناخته‌ایم و حالا در نمایش «وقتی کبوترها ناپدید شدند» که از چند وقت قبل در تئاتر مستقل در حال اجراست، نقش منفی دارد و همین جذابیت کار را برایش بیشتر کرده است: «کم پیش آمده است که در فضای بازیگری، نقش منفی بازی کنم اما نقشی که در نمایش «وقتی کبوترها ناپدید شدند» را بازی کرده‌ام، نقش منفی جذابی است و خوشحالم که آن را بازی می‌کنم.» در ماه‌های آینده در دو پروژه تئاتر دیگر از جمله فرآینکشتاین هم حضور خواهد داشت که هر دو در جای خود جالب است و جنتجالی.



عکس: سعید غلامحسینی / شهروند

تجسمی خوانده‌ام، با نقاشی به کاراکتر می‌رسم. مثلاً درباره سروان پُر کف به نقاشی‌های آگون شیله که نگاه اکسپرسیونیستی در کارهایش دارد و آناتومی آدم‌ها را کار می‌کند، نگاه کردم و کارهای او خیلی برای فضا سازی این کاراکتر به من کمک کرد. به کاراکترهای این چنینی در تاریخ هم رجوع کردید، مثلاً افرادی مثل هیتلر یا استالین که بسیار هم معروف هستند؟ نه. به همین کاراکتری که نویسنده آورده بسنده کردم، نقش آنقدری فرصت نداشت که بخواهم برایش شناسنامه بچینم. البته به این موضوع فکر کردم اما باید خیلی زود ماکروویوی الفا کنم که چطور آدمی است و به همین دلیل شاید بیشتر به سمت تیپ برود تا شخصیت.

• شما همیشه چه در سینما و تلویزیون و البته بیشتر در تئاتر با آدم‌های تازه‌کار و کمتر دیده‌شده کار کرده‌اید. این نوع کار چه امتیازاتی برای شما دارد؟

این شیوه کار را دوست دارم، به‌ویژه در زمینه تئاتر. تئاتر فرصت می‌دهد با نگاه‌ها و فکرهای تازه و نو کار کنید و بچه‌هایی که پر از شور آرتیستی هستند. اینها من را تازه نگه می‌دارد، ضمن این‌که در تئاتر اگر اشتباه کردید، هزینه آن کمتر است و البته تنها به حال هم اشتباه پیش نیامده است. تازگی تئاتر را دوست دارم. هر تئاتر دنیایی تازه را خلق می‌کند، اما در تلویزیون و سینما فرمول‌هایی وجود دارد و ممکن است که خیلی از مسائل دست آفرینش‌های کارگردان یا نویسنده نباشد، گیشه یا شبکه آن را تعیین می‌کند. در آن‌جا مسائل مختلفی دست‌به‌دست هم می‌دهد تا اثری قوی از آب دربیاید، اما در تئاتر می‌شود با هزینه کمی دنیای نویی ساخت و تجربه کرد. این ویژگی را دوست دارم، برای همین هر سال یک تئاتر کار می‌کنم. به هر حال این نوع کار ریسک هم دارد، کم‌اینکه ممکن است حیثیت هنری هنرمند را زیر سؤال ببرد. هیچ‌وقت چنین ماجرای

چون هنرهای تجسمی خوانده‌ام، با نقاشی به کاراکتر می‌رسم. مثلاً درباره سروان پُر کف به نقاشی‌های آگون شیله که نگاه اکسپرسیونیستی در کارهایش دارد و آناتومی آدم‌ها را کار می‌کند، نگاه کردم و کارهای او خیلی برای فضا سازی این کاراکتر به من کمک کرد.

شکل چیزی که مردم می‌خواهند را عوض کنید. • سروان پُر کف نسبت به بقیه بازیگران نمایش، زمان خیلی کمی روی صحنه است و در واقع وقت بسیار کمتری برای معرفی و بازی خود دارد؛ اگر چه در نهایت نمایش را جمع می‌کند. برای رسیدن به این نقش چه قدر تمرین کردید و به‌طور کل این نقش چه چالش‌ها و سختی‌هایی را برای شما ایجاد کرد؟

من کم تمرین کردم یعنی یک‌ماه، چون گروه از ماه‌های قبل درگیر نمایش بودند و بعد به آنها اضافه شدم. همیشه متناسفم که چرا وقت بیشتری نداشتم. روزی هم که با آقای کوشکی و خانم هستی صحبت کردم، گفتم درست است که این نقش زمان کمی در نمایش حضور دارد ولی نقش سختی است. گفتمند تو می‌توانی بیا. تمرین کردیم، خوشبختانه کمک‌هایشان خیلی مثرتر بود. خوشبختانه مدیا درباره این نوع کاراکترها زیاد است و فیلم‌های زیادی هم درباره استبداد آن دوران وجود دارد. زیاد هم مابه‌ازای آن را دیده‌ایم، بنابراین با یک سرچ ساده می‌شد به آنها رسید. جالب است که چون هنرهای

دارم اما علاقه من بیشتر به فضاهای معمایی و جنایی است، حتی رمان‌هایی را هم که می‌خوانم، در این زمینه است.

• با توجه به این‌که در این تئاتر به هنرمندان سفارشی‌ساز اشاره شده است و خودتان هم در مصاحبه‌های قبلی تأکید زیادی بر روی آن داشتید، فکر می‌کنید بیشتر چه کسانی مخاطب آن هستند؟ در کل دوست دارید چه کسانی به تماشای این تئاتر بیایند؟

نمایشنامه بشدت شبیه فضای خودمان است. جوان‌ها فکر می‌کنند کارهای هنری‌شان حتماً باید مورد تأیید جایی باشد، بنابراین ممکن است جواب خیلی از سوالاتشان را در این‌باره بگیرند؛ این‌که بازی‌های سیاسی چطور روی فرهنگ تأثیر می‌گذارد و برعکس. فرهنگ می‌تواند چه اتفاقاتی را رقم بزند که سیاست را دستخوش تغییر کند. برای قشری که این فضا را دیده باشند، جذاب است و شاید پاسخ پرسش‌های خود را بگیرند.

• از تأثیر این هنرمندان صحبت کردید. این هنرمندان سفارشی‌ساز چه تأثیری بر سیاست و جامعه می‌گذارند؟

هر سیستمی بازوهای تبلیغاتی و رسانه‌ای خود را دارد و نقطه اوج استفاده از این بازوها برای شکل‌دهی فرهنگی در دوران کمونیسم بوده است. در دوره استالین بر جزئی‌ترین رفتار انسان‌ها دخالت داشتند، از خوراک و پوشاک هم گذشته بود و حتی فکر او را می‌خواندند. نمایشنامه می‌گوید هیچ چیزی به‌ویژه هنر را نمی‌توانید به زور به دست بیاورید. هنر، فضای آزاد می‌خواهد. فکر باید در عالم فرهنگ و هنر به پرواز دربیاید تا تأثیرگذار باشد. اگر بخواهید آن را با سییمان و سنگ و در واقع اجبار شکل دهید، شدنی نیست. سخت‌ترین متریال را هم استفاده کنند تا شکلی که سیستم می‌خواهد را بگیرد، نمی‌شود و چیزی که فرهنگ عامه مردم می‌خواهد، پیروز می‌شود. حرف نمایشنامه این است که آلمان، روسیه، نازی و کمونیست هم که باشید، نمی‌توانید

کبوترها ناپدید شدند» را روی صحنه دارید و به نظر کار متفاوتی است. البته خودتان هم در جایی گفته بودید که این کار نسبت به کارهای قبلی‌تان متفاوت‌تر است، درباره تفاوت این نقش برای خودتان، توضیح دهید.

این بحث کمی کلی است. کم پیش آمده است که در فضای بازیگری، نقش منفی بازی کنم اما نقشی که در نمایش «وقتی کبوترها ناپدید شدند» را بازی کرده‌ام، نقش منفی جذابی است و خوشحالم که آن را بازی می‌کنم. در جزئیات نقش هم سعی کردم با نقش‌های قبلی‌ام متفاوت‌تر باشم.

• همان ابتدا وقتی نمایشنامه را خواندید، چه ویژگی از نقشی جز منفی بودن، شما را جذب کرد که باعث شد آن را قبول کنید؟

فارغ از نقشم، نمایشنامه بسیار نمایشنامه خوبی است. قصه جنگ جهانی را دنبال می‌کند اما فضا سازی مدرنی هم دارد و این موضوع خیلی توجهم را جلب کرد. درباره نقش هم به نظر ما به‌عنوان مخاطب در فضای درام قصه شخصیت‌های باهوش را دوست داریم و سروان پُر کف در این نمایش فوق‌العاده آدم باهوشی است اگر چه افکار منفی دارد اما باز هم برایم جالب و جذاب است.

• سروان پُر کف در واقع یک آدم زمینی است که ما هر روز در اطرفمان نظیر او را می‌بینیم، بازی کردن در این نقش باید جذاب باشد اما می‌خواهم بدانم برای شما بازی کردن در این‌گونه نقش‌ها جالب‌تر است یا نقش‌هایی که به فضای فانتزی نزدیک می‌شود؛ مثل نقشی که در افسون معبد سوخته داشتید؟

نقش‌هایی که درام را جلو می‌برند و رفتارشان برای تماشاگر ایجاد سؤال می‌کند را خیلی دوست دارم، به‌ویژه در تئاتر، چون وقت بیشتری داریم و به لحظه لحظه شخصیت فکر می‌کنیم. اگر چه نقش‌های فانتزی هم دنیای خود را دارد اما نقش‌های زمینی را بیشتر ترجیح می‌دهم. من در تئاتر، همه نوع فضایی را تجربه کرده‌ام، رئال یا فانتزی. همه آنها را دوست

• چندسالی می‌شود که انگار بیشتر تمرکزتان روی تئاتر و سینماست و کمتر در تلویزیون دیده شده‌اید. فکر می‌کنم آخرین کارتان با رسانه ملی سریال کیمیا بود که خیلی هم دیده شد اما انگار دیگر کار با تلویزیون را کنار گذاشته‌اید؟

کنار گذاشته‌ام. ما بازیگری، نمی‌توانیم بگوییم دیگر در این فرمت کار نمی‌کنیم یا فقط در تئاتر کار می‌کنیم. این حرف‌ها مقطعی است. اگر شرایط در تلویزیون خوب شود، چرا که نه! در تلویزیون هم کار می‌کنم. ما بچه تلویزیون هستیم و از آن‌جا رشد کرده‌ایم. اتفاقاً تلویزیون را خیلی دوست دارم، چون رسانه فراگیر همگانی است اما الان شرایط جالب نیست؛ بنابراین ترجیح می‌دهم با این‌نگرش و سیاست‌گذاری‌ها در تلویزیون نباشم.

• جالب است چند وقت قبل در رسانه‌ها به نقل از شما گفته بودند که با تلویزیون قهر کرده‌اید.

قهر کردن کار بچه‌هاست. مگر می‌توانیم با محل کارمان قهر کنیم. ممکن است مدیران کنونی چندسال دیگر نباشند اما ما که با آن کار کرده‌ایم، مگر می‌توانیم نباشیم.

• دقیقاً منظورتان از سیاست‌های غلط صدا و سیما یا همان رسانه ملی که به قولی خانه خودتان بوده است، چیست؟

منظورم کارکرد رسانه است. رسانه می‌تواند خیلی قوی‌تر عمل کند، نباید طوری رفتار کند که مردم به آن اعتماد نداشته باشند اما در حال حاضر رسانه ملی به هنرمندان خود هم بی‌اعتماد است. قشر عظیمی از مردم دستشان از این رسانه همگانی دور است و تلویزیون مال آنها نیست. من هم ترجیح می‌دهم تا زمانی که تلویزیون برای مردم نباشد و سیاست‌گذاری برای بهره‌گیری عادلانه همه مردم انجام نشود، با آن کار نکنم و به سینما و تئاتر بپردازم.

• این روزها هم که تئاتر جدید «وقتی